شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

۵شنبه

سال پانزدهم
۲۳ آذر ۱۴۰۲
۳۰ جمادی‌الاولی ۱۴۴۵
شماره ۴۱۰۹

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
- سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
- نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵
- نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
- روابط عمومی: ۰۵۱ -۳۸۴۸۳۷۵۲
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

دمای هوای مشهد

رطوبت هوا ۷۲٪ ↓ ۳° ↑ ۱۲°

صبح ۴ | ظهر ۱۱ | عصر ۹ | شب ۴

اوقات شرعی مشهد

- اذان ظهر ۱۱:۲۶:۰۳
- غروب آفتاب ۱۶:۱۷:۲۳
- اذان مغرب ۱۶:۳۷:۴۹
- نیمه شب شرعی ۲۲:۴۰:۴۵
- اذان صبح فردا ۰۵:۰۴:۴۵
- طلوع آفتاب فردا ۰۶:۳۵:۲۵

اول شخص

بازیگری پر نقش در عرصه زندگی

درباره دکتر محمود عزیزی، نویسنده، بازیگر و مدرس هنرهای نمایشی که امروز ۷۸ ساله می‌شود

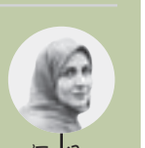

آزاده چشمه سنگی
نویسنده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و هم زمان با بازگشایی دانشگاه‌ها، در حالی از فرانسه به ایران برگشت که دیگر او را «دکتر عزیزی» صدا می‌زدند و به واسطه مدرک دانشگاه سوربن موفق شد تا خیلی زود جذب دانشگاه تهران شود و هرآنچه را که در فرانسه آموخته را در اختیار هنرجویان رشته تئاتر قرار دهد.

حضور او در دانشگاه با عضویت در هیئت علمی دانشگاه تهران آغاز شد و با تدریس و فعالیت هنری ادامه یافت. او یکی از صدها هنرمند برخاسته از صحنه بود و تجربه حضور در تئاتر و عرصه بروز خلاقیت زیر نور موضعی سالن نمایش، او را همچون بسیاری دیگر از هنرمندان این رشته، نسبت به قرارگرفتن در قاب تصویر بی میل می‌کرد، اما رفته رفته بازیگری در عرصه سینما و تلویزیون را، بنا به جبر زمانه به عنوان حرفه ثانویه خود انتخاب کرد. ظرفیت‌های دیده شدن در این دو مدیوم به‌واسطه کمیت مخاطبان آن، زمینه ساز شهرتی شد که او را رفته رفته در دیگر مناصب نیز هدایت می‌کرد.

محمود عزیزی که اولین بار دنیای تصویر را در سال ۱۳۶۶ با مجموعه تلویزیونی «مرغ حق» تجربه کرده بود، سه سال بعد یعنی در سال ۱۳۶۹ نیز با فیلم سینمایی «همه یک ملت» بر پرده سینماها ظاهر شد.

اما ایفای نقش «آقابزرگ» در مجموعه تلویزیونی «نیمه پنهان ماه» در سال ۱۳۷۳، پنجاه سالگی او را به شهرتی تازه گره زد و رفته رفته دهه ۷۰ را برای او به دهه‌ای پرکار در سینما و تلویزیون تبدیل کرد. به طوری که در ادامه، با بازی در «لیلی با من است» موفق شد تا با همراهی پرویز پرستویی در اولین فیلم سینمایی ژانر دفاع مقدس در قالب کمدی، با کارگردانی کمال تبریزی در یاد مخاطب ایرانی، ماندگار شود. او بار دیگر در سال ۱۳۹۴ در کنار پرویز پرستویی قرار گرفت و این بار با کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا در «بادیگارد»، تجربه موفق دیگری را در ژانر سینمای جنگ از خود به یادگار گذاشت.

محمود عزیزی که در گذار سال‌های دهه ۷۰ و ۸۰ به دفعات در مجموعه‌های تلویزیونی و آثار سینمایی موفق ظاهر شد به مرور در دام نقش‌های کلیشه‌ای از بروز دیگر استعدادهای بازیگری خود محروم ماند و از اواسط دهه ۹۰ به این سو، بیش از آنکه بخواهد مکرر خود را در نقش‌های تیپیکالی چون «آقای نادری» در سریال «ستایش» به تکرار بکشاند، ترجیح داد تا تجربیات خود را عمدتا در حوزه سمت‌های اجرایی و تدریس در دانشگاه عرضه کند.

عزیزی که در سال ۱۳۷۹ به عنوان نخستین مدیرعامل خانه تئاتر انتخاب شده بود، در ادامه با ریاست اداره تئاتر و ریاست کمیسیون تخصصی هنرهای نمایشی به انجام خدمت مشغول شد و مدتی را در دهه ۹۰ با عضویت در هیئت تحریریه مجلات هنری همچون «زن در فرهنگ و هنر» یا فصلنامه «ادبیات نمایشی و هنرهای تجسمی» فعالیت کرد و دبیری یازدهمین جشنواره سراسری تئاتر رضوی را برعهده گرفت.

محمود عزیزی اما به موازات فعالیت در دنیای تصویر و محیط‌های آموزشی و اداری، نقبی نیز به نشریات داخلی می‌زند و با سابقه نگارش رساله دکتری خود با عنوان «تعزیه و تئاتر اپیک برشت و بوطیقای ارسطویی» اقدام به ترجمه و تدوین کتابی به نام «نگاهی به تعزیه از دیدگاه مستشرقین همراه تعزیه علی اکبر(ع) و حضرت قاسم(ع)» کرده است. محمود عزیزی در عرصه ترجمه نیز سه نمایشنامه با عناوین «هفت درس لوئی ژووه»، «اولاف و آلبرت» و «میخواهم موسیو را ملاقات کنم» به مرحله چاپ رسانیده است و در تهیه هشت جلد کتاب دیگر نیز با انتشاراتی‌ها همکاری داشته است. از او ده‌ها مقاله در نشریات داخلی و خارجی به چاپ رسیده که عمدتا درباره تئاتر و مقولات نمایشی است. محمود عزیزی سال گذشته پس از نزدیک به چهار دهه فعالیت در حوزه بازیگری و نویسندگی، این بار با اخذ پروانه ساخت یک فیلم سینمایی با نام «عاقبت» به حیطه کارگردانی ورود کرده است تا خود را در این رشته هنری نیز به چالش بکشاند.

کتابی به انضمام تعزیه علی اکبر(ع) و حضرت قاسم(ع)

کتاب «تعزیه از نگاه مستشرقین» که به همراه تعزیه علی اکبر(ع) و حضرت قاسم(ع) است توسط محمود عزیزی به نگارش درآمده است. در توضیح این کتاب چنین آمده است: «هدف اصلی تئاتر ایجاد رابطه بی‌واسطه، همه‌جانبه و یگانه بازیگر با مخاطب است و به عنوان ابزاری برای تهذیب رفتار انسانی و کاستن از ناملایمات زندگی جمعی و نیز اعتقاد به نقش نیروهای ماورایی در سرنوشت و زندگی بشری، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این کتاب، با تأکید بر نقش تئاتر در ظهور هوشمندانه‌ای از حضور جمعی و شور همگانی در قالب یک آیین، دیدگاه برخی از نظریه‌پردازان بزرگ تئاتر بررسی و تشابهات و مناسبت‌های تئاتر مردمی با نمایش تعزیه در ایران و همچنین تا حد امکان اهداف هریک نشان داده شده است. در ادامه نیز، متن نمایش «شهادت علی اکبر(ع)» و «عروسی قاسم(ع)» گنجانده شده است.»

شهید

محمد کهنموئی ده سرخی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱/۱۱
تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۴/۱۵
محل تولد: کاشمر
محل شهادت: مریوان

آشیشال*

بسوزد این تقویم ...

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

دوشنبه ۲۸ صفر

ساعاتی پیش محمد مصطفی(ص) رحلت کرده است، یک سوی شهر اصحاب به مدیریت علی مشغول تدارک مقدمات کفن و دفن و تشییع و نماز خواندن بر پیکر رسول خدایند و چند کوچه آن طرف‌تر عده‌ای از اصحاب در یک جلسه‌اند. صورت جلسه عنوانش مشخص است. تعیین جانشین برای رسول خدا(ص).

سه شنبه

سقیفه بنی ساعده دیروز تشکیل شده، خودشان بریده و دوخته و ابن ابی قحافه را انتخاب کرده‌اند و فرمان بیعت عمومی و اجباری داده‌اند. علی(ع) با خبر شده و به مسجد آمده احتجاج‌های علی(ع) در مسجد و همه ادله‌اش در اینکه او بعد از پیامبر(ص) قرار بوده است خلیفه باشد، کتمان می‌شود و علی(ع) به خانه برمی‌گردد و پیکر نبی اکرم(ص) غریبانه دفن می‌شود.

چهارشنبه

علی مشغول جمع‌آوری و تدوین قرآن است، توی خانه تحصن کرده، در خانه وحی خانه فاطمه(س)

پنجشنبه

تحصن ادامه دارد، کسی از خانه بیرون نمی‌آید، مدینه ملتهب است، بیم هر اتفاقی می‌رود.

جمعه

می‌ریزند در خانه برای گرفتن بیعت. فاطمه می‌گوید بروید ما عزاداریم، پدرم تازه خاک شده. حیا کنید. روزهای متمادی و شب‌های متعدد به در خانه مهاجرین و انصار می‌رود، احتجاج می‌کند، حرف می‌زند، یادت می‌آید می‌گویی و جوابی ندارند. انگار لال شده‌اند، کور و کر شده‌اند. فاطمه برای مسخ شدگان مصلحت و وضعیت حساس کنونی حرف می‌زند و انگار نه انگار. خاک بر سر آن شهر و مردمانش که علی و فاطمه باید در خانه‌شان را بزنند و بگویند بیا به یاری‌مان و آن‌ها ناز کنند.

دوباره چهارشنبه

کارگرهای فدک کتک خورده و خون‌آلود به در خانه فاطمه می‌آیند، از فدک بیرونشان انداخته‌اند، این ابی قحافه معتقد است، فدک اموال عمومی است و رسول خدا(ص) ارثی به جا نگذاشته است.

پنجشنبه و جمعه و شنبه

فاطمه در یکی از این روزها به مسجد می‌رود، خطبه می‌خواند و به مردم می‌گوید من فاطمه‌ام، دختر همان محمد که رسولتان بود. احتجاج می‌کند و از قرآنی که در خانه همه هست آیه می‌آورد و کمک می‌خواهد. مردم انگار نه انگارند. به خانه برمی‌گردد و به تحصن ادامه می‌دهند.

دوباره دوشنبه

حکومت به بیعت متحصنان نیاز دارد. بیعت علی و سلمان و ابوذر و مقداد و زبیر و عمار نباشد، پایه‌های حکومت لق است. می‌ریزند در خانه. اول سابقه‌دارها را پیش می‌کنند. بدنام‌ها و اراذل و اوباش را. فاطمه پشت در می‌رود و گریه می‌کند، می‌گوید من دختر همان محمدم. اوباش خجالت می‌کشند، دلشان نرم می‌شود، برمی‌گردند و می‌گویند این کار از ما بر نمی‌آید. یکی از خودشان دست به کار می‌شود و با مشعلی از آتش، هیزم می‌برند و بقیه‌اش را هم توی روضه‌ها شنیده‌اید.

من راستش فاطمیه خیلی دست و دلم به نوشتن نمی‌رود. همین قدرش را هم به جان کندن نوشته‌ام، مادر آدم زمین بخورد هم آدم رویش نمی‌شود به دوست و رفقایش شرح ماوقع کند چه برسد به اینکه... بگذریم رفیق ...

*به لهجه مردم کویر بم، به سبزه‌رویيده بر دوطرف جوی آب می‌گویند

چکامه

تا که نامت بر زبان آمد زبان آتش گرفت ..... سوختم، چندان که مغز استخوان آتش گرفت
حیدر آمد، خاک همچون باد، گرم گریه شد ..... خواست تا غسلت دهد آب روان آتش گرفت
هان چه می‌پرسی چه پیش آمد؟ زمین را آب برد ..... بادبانِ کشتی پیغمبران آتش گرفت
یک طرف ماهِ مرا ابرِ سیاهِ فتنه کشت ..... یک طرفَ از درد غربت کهکشان آتش گرفت
رفت سمت آسمانِ روحت! زمین از شرم سوخت ..... در زمین جسم تو گم شد، آسمان آتش گرفت

علیرضا قزوه

رفت سمت آسمان روحت! زمین از شرم سوخت...

هنر روز

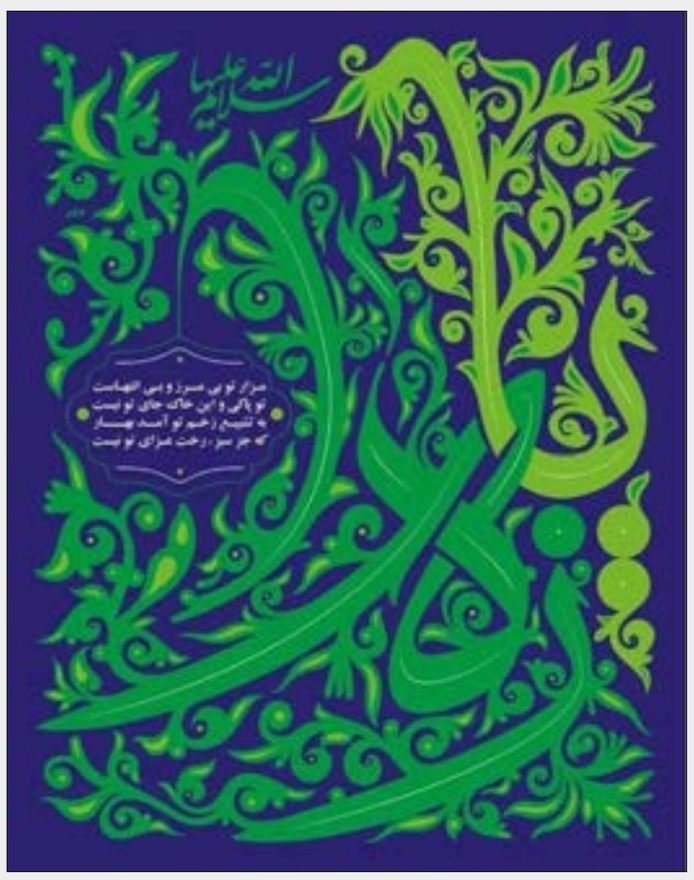

مزار تو بی مرز و بی انتهاست/ تو پاکی و این خاک جای تو نیست/ به تشییع زخم تو آمد بهار/ که جز سبز رخت عزای تو نیست

اثر هادی حیدری هنرمند مشهدی با محوریت شهادت حضرت فاطمه زهرا(س)

کتابخوان

دختر آسمان به روایت زمین

فروردین امسال بود که کتاب «دختر آسمانی» به قلم سید مهدی شجاعی پس از ۲۱ سال از سوی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بازنشر شد. تصویرگری این کتاب را که در ۳۲ صفحه رنگی و با قیمت ۴۵ هزار تومان منتشر شده راخشایار قاضی زاده بر عهده داشته است.

«دختر آسمانی»، قصه‌زاده شدن حضرت فاطمه(س) و آراسته شدن آفرینش به وجود محبوب اوست. کتاب با نگارش و تصاویری زیبا به شرح جایگاه والای آن بانوی ارجمند پرداخته و دلیل گمنام بودن مقبره آن بانو را بیان می‌کند.

در متن این کتاب که از زبان زمین روایت شده، نخست زمین از منزلت فاطمه(س) سخن می‌گوید و اینکه از آغاز خلقت، بشر در انتظار آن بوده است تا آن حضرت پا به عرصه گیتی بگذارد و سپس از سرگذشت و سرنوشت فاطمه(س) سخن می‌رود.

عکس روز

شهر عزادار مادرمان زهراست

هم‌زمان با فرا رسیدن ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) شهر سیاه‌پوش این عزاست و مردم مشهد هریک به نوعی مشغول عزاداری‌اند.

برخی با برپا کردن خیمه و برخی با بساط نذری. از چای و خرما گرفته تا خطاطی نام متبرک بانوی دو عالم.

عکس: محمدحسن صلواتی/شهرآرا